

اژانس های مسافرتی و شرکت های معتبر، اقدام به خرید بلیت و یا تور مسافرتی کنید.



مجاز سازمان میراث فرهنگی را دارند.

از پرداخت بیعانه یا پیش پرداخت به حساب افراد غیر برای رزرو اقامتگاه یا تورهای مسافرتی خودداری کنید و از سایت های معتبر و شناخته شده و دارای نماد اعتماد الکترونیکی برای خرید تور استفاده کنید.

قبل از خرید و رزرو تورهای مسافرتی تمامی قوانین و شرایط را مطالعه کنید.

هنگام خرید بلیت فریب تخفیفات ویژه را نخورید.

حتی الامکان با مراجعه حضوری به

مراقب تورهای

تابستانی باشید

کلاهبرداران سایبری باانتشار تبلیغات دروغین تورهای مسافرتی و اجاره اقامتگاه های ارزان به دنبال کلاهبرداری از شهروندان هستند. از این رو به منظور پیشگیری از این گونه کلاهبرداری ها توصیه های زیر را جدی بگیرید.

از آژانس هایی برای رزرو تور استفاده کنید که

هشدار

تشر

۲ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲ شماره ۱۰۲۴



هشدار پلیس درباره مخدوش کردن پلاک



سرهنگ احسان مومنی، معاون آموزش و فرهنگ

ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ: نگاه پلیس و مردم

به کسی که پوشش پلاک دارد نگاهی مجرمانه است و دیگر یک تخلف راهوری نیست. پلیس این موضوع را سال هاست بررسی می کند که یکی از تخلفاتی که بسیار مدنظر است بحث پوشش پلاک می باشد که خیلی از متخلفین آن را تکرار می کنند. با تحقیقاتی که صورت گرفت به این نتیجه رسیدیم که چند سال قبل بیشتر در محدوده های طرح ترافیک و زوج و فرد ما پوشش پلاک را شاهد بودیم. با گسترش طرح تشدید برخورد با موتورسواران، آنها که می خواستند تخلفاتی چون عبور از چراغ قرمز، عبور از محل ممنوع و عبور از خط ویژه انجام دهند اقدام به پوشش پلاک وسیله نقلیه خود می کردند.

در ادامه تحقیقات که در پلیس پیشگیری و پلیس آگاهی صورت گرفت به این نتیجه رسیدیم و دریافتیم که پوشش پلاک دیگر به دلیل عبور از چراغ قرمز، محل ممنوع و به دلیل یک تخلف راهنمایی و رانندگی نیست. الان سرقت هایی مانند گوشی قایبی، کیف دزدی و... همه به افراد و موتورسوارانی بازمی گردد که با پلاک موتور خود را دستکاری کرده یا پلاک وسیله نقلیه خود را پوشانده اند.

پس قضیه یک تخلف ساده راهوری نیست بلکه یک جرم است و باید در این خصوص دید مردم عوض شود زیرا موتورسواری که پوشش پلاک کرده است و به سمت شما می آید باید احتمال این را بدهید که می خواهد سرقتی انجام دهد یا احتمال دهید کیف دیگری را می خواهد بریاید.

افرادی هم که سهوا پلاک خود را پوشانده یا گل آلود کرده اند همین امروز نسبت به رفع این موضوع اقدام کنند تا پلاک برای پلیس و مردم خوانا باشد. توصیه می شود هر راننده ای سهوا یا به هر دلیل اقدام به پوشش و مخدوشی پلاک یا پوشاندن آن کرده قبل از شروع به حرکت آن را برطرف کند چرا که در صورت مشاهده، همکاران بنده بجد برخورد خواهند کرد.

قربانی کینه برادرشوهر

خاطره

قتل زن میانسال از سوی مرد تبعه افغانستان برای سرقت طلاهایش خاطره یکی از بازپرسان سابق ویژه قتل تهران است که این هفته روایت کرده ایم

تحقیقات پزشکی قانونی دستور انتقال جسد را دادم. خودم در محل ماندم و با افسر قتل صحنه را بررسی کردیم. وجود دو لیوان شربت روی میز نشان از حضور مهمان در خانه داشت. به کاراگاهان پلیس دستور دادم هرچه سریع تر جمعه را دستگیر کنند تا از این جنایت رمزگشایی کنیم. صبح روز بعد مرد تبعه افغانستان با دستبند و پابند وارد شعبه شد. از او خواستم دلیل قتل سمیه را بگوید.

جمعه خونسر روی صندلی نشسته بود اما یکبارہ شروع به گریه کرد و گفت: من ۱۲ سال از همسر موقتم کوچک تر بودم اما او را دوست داشتم. باور کنید من قاتل نیستم. فکر می کنم نظیر، برادرم او را کشته است. از او خواستم بیشتر توضیح بدهد که مدعی شد نظیر به تهران آمده و فهمیده بود با سمیه ارتباط دارم. حال فکر می کنم او همسر موقت من را کشته است.

او را روانه بازداشتگاه کردم و به تیم ویژه قتل آگاهی دستور شناسایی و دستگیری نظیر را دادم. چند روز بعد وقتی شواهد نشان داد جمعه بی گناه است، او را آزاد کردم و تحقیقات برای دستگیری برادرش به عنوان مظنون را ادامه دادیم اما هیچ ردی از او به دست نیامد.

مهرماه در محل کار مشغول بررسی یک پرونده قدیمی بودم که مردی افغان با لباس متهم و دستبند وارد شعبه شد. افسر قتل اداره آگاهی هم پشت سر او آمد و ادعا کرد این متهم نظیر،

قاتل سمیه است. کارگاه پلیس گفت که دو روز قبل متوجه شدند او از افغانستان بازگشته و با هویت جعلی در خلانیر کارگر ساختمان شده است.

پسر ۲۰ ساله سرش پایین بود. از او خواستم هرچه اتفاق افتاده را بگوید.

بدون مکث شروع به حرف زدن کرد و مدعی شد: برادرم جمعه برای کار به ایران آمده بود. بعد از ۶ ماه متوجه شدیم او هیچ پولی برای ما نمی فرستد، پیگیر او شدم که هموطنانم در تهران گفتند او با زنی ۵۰ ساله دوست شده و تمام پول ها را خرج او می کند. عصبانی شدم و مخفیانه به تهران آمدم. به سراغش رفتم که گفت آن زن را دوست دارم و نمی توانم دل بکنم. از او آدرس خانه سمیه را گرفتم که با او حرف بزنم.

وقتی به آنجا رفتم از زن میانسال خواستم دست از سر برادرم بردارد اما او مدعی شد همسر موقت جمعه است و او باید مهریه اش را بدهد. یک لحظه متوجه شدم زن ۵۰ ساله خیلی طلا همراهش دارد، چاقویی را از آشپزخانه برداشتم، او را کاشتم و تمام طلاها، پول نقد و گوشی تلفن همراهش را سرقت کردم. از خانه او بیرون آمدم و یکراست به سمت مرز حرکت کردم. چند ماهی در کشورمان ماندم و بعد که فکر می کردم آب ها از آسیاب افتاده با نام جعلی به ایران برگشتم اما خیلی زود دستگیر شدم.»

پس از اعتراف نظیر و بازسازی صحنه قتل، برای متهم قرار جلب به دادرسی صادر کردم. چند سال بعد که پرونده را پیگیری کردم، متوجه شدم او توانسته رضایت خانواده سمیه را جلب کند و از قصاص رها شود.

